



بررسی توافقنامه آرتمیس و تاثیر آن در تکامل حقوق فضا



دکتر سیده ساناز ذبیحی شهری *

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

سرعت رشد تکنولوژی در تمام زمینه‌ها از جمله فضای ماوراءجو، باعث شده است که کشورها درصدد به روز کردن معاهدات و توافق‌نامه‌های مرتبط با آن زمینه شوند. در این راستا، می‌توان به قانون فعالیت‌های معدنی فضایی آمریکا در سال ۲۰۱۵، قانون استخراج فضایی لوکزامبورگ در سال ۲۰۱۷ و در نهایت توافق‌نامه آرتمیس که در اکتبر سال ۲۰۲۰ توسط ۳۲ کشور تصویب شد، اشاره کرد. توافق‌نامه آرتمیس بخشی از برنامه گسترده‌تر آرتمیس بوده که توسط سازمان ملی هوانوردی و فضایی آمریکا هدایت می‌شوند. سوالی که در این مقاله باید پاسخ داده شود این است که آیا این توافق‌نامه می‌تواند بر پیشرفت حقوق بین‌الملل فضایی تاثیر بگذارد؟ روش نوشتاری که در این مقاله استفاده شده است، روش (اسنادی) کتابخانه‌ای است. این مقاله به بررسی میزان انطباق توافق‌نامه آرتمیس با قوانین و استانداردهای بین‌المللی از جمله معاهده فضای ماوراءجو و موافقت‌نامه ماه می‌پردازد. نتایج و یافته این پژوهش نشان می‌دهد در حالیکه این توافق‌نامه، ریشه در مفاد معاهده فضا دارد، با جایگزینی رویکرد پیش‌بینی کننده برای تنظیم فعالیت‌های فضا، نوآوری قابل توجهی در حقوق بین‌الملل فضا معرفی می‌کند.

کلیدواژگان

اکتشاف پایدار، توافق‌نامه آرتمیس، حقوق فضا، فضای ماوراءجو، فعالیت فضایی، معاهده فضا

* استادیار گروه حقوق بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. / نویسنده مسئول / ایمیل:

ss_zabihi@azad.ac.ir

مقدمه

در اکتبر سال ۲۰۲۰ هشت کشور استرالیا، کانادا، ایتالیا، ژاپن، لوکزامبورگ، امارات متحده عربی، انگلستان و ایالات متحده، توافق‌نامه آرتمیس (که زین پس به آن توافق‌نامه می‌گوییم) را امضا کردند که شامل ۱۳ ماده با هدف تسهیل همکاری‌های بین‌المللی در اکتشافات پایدار پروژه‌های فضایی است. در حال حاضر ۳۲ کشور این توافق‌نامه را تصویب کرده‌اند.^۱ هدف اصلی این برنامه، بردن اولین زن و دومین مرد بر روی کره ماه تا سال ۲۰۲۴ است. بنابراین این برنامه راه را برای اکتشافات بر روی مریخ و دیگر کرات آسمانی منظومه شمسی در آینده بشریت هموار می‌کند. ویژگی بارز این برنامه ساخت ایستگاه دائمی روی ماه است که شامل ایستگاه مداری اختصاصی (دروازه ماه) و پایگاهی خود پایدار بر روی ماه (پایگاه کمپ بیس روی ماه) می‌شود. تحقق این پروژه مستلزم سرمایه‌گذاری اقتصادی، استفاده از فناوری پیشرفته و استفاده از منابع طبیعی موجود برای ساخت و نگهداری سکونت‌گاه‌های انسانی بر روی سطح ماه است. به منظور اجرای برنامه آرتمیس، ناسا به دنبال همکاری کشورها و شرکای تجاری است. در عمل کشورهایی که خواستار همکاری با ناسا هستند، باید متعهد شوند که اصول مندرج در توافق‌نامه را رعایت کنند.

سوالی که در این مقاله باید پاسخ داده شود این است که آیا این توافق‌نامه می‌تواند بر پیشرفت حقوق بین‌الملل فضایی تأثیر بگذارد؟ فرضیه‌ای که در این مقاله مطرح است، اجرای برخی از مفاد مهم معاهده فضا و موافقت‌نامه ماه در توافق‌نامه آرتمیس، است. در این مقاله به دو نظر کاملاً متفاوت اما مرتبط به هم، در خصوص مفاهیم قانونی مرتبط با توافق‌نامه پرداخته می‌شود. لذا هدف از این پژوهش، بررسی محتوا و وسعت توافق‌نامه با قوانین و استانداردهای بین‌المللی موجود از طریق ترکیب و شفاف‌سازی ابزار مرتبط با حقوق بین‌الملل فضا و تأثیر این توافق بر روند قانون‌گذاری چندجانبه در خصوص فضای ماوراء جو است. روش مطالعه این پژوهش، توصیفی-تحلیلی می‌باشد.

۱- پیشینه

کتب و مقالات متعددی در زمینه حقوق فضای ماوراء جو به زبان فارسی، انگلیسی و ... نوشته شده‌اند؛ از جمله کتاب «ایران و حقوق بین‌الملل فضا»، توسط سیده ساناز ذبیحی شهری و احمد مومنی راد در سال ۱۴۰۱ که در آن به ایجاد و توسعه حقوق فضا و جایگاه ایران در فضا پرداخته شده است. (مومنی راد و ذبیحی شهری، ۱۴۰۱: ۱۳)؛ (Momeni Rad & Zabihi Shahri, 2022: 13) همچنین کتاب «رساله‌ای در حقوق فضا» که توسط سید محمد حسینی در سال ۱۳۹۳ نوشته شده است که در فصل هفتم آن کتاب، به طور ویژه در خصوص ماه و همچنین میراث مشترک بشریت، صحبت کرده است. (حسینی، ۱۳۹۳: ۲۵۱-۲۶۶)؛ (Hoseini, 2015: 251-266) همچنین مقاله «استراتژی کلان فضایی در پرتو نظریه روابط بین‌الملل» توسط گلاره رستگاریان، افشین زرگر و

^۱ آرژانتین، استرالیا، اکوادور، آلمان، ایسلند، اسرائیل، ایتالیا، اسپانیا، اوکراین، امارات متحده عربی، انگلستان، آمریکا، بحرین، برزیل، بلغارستان، جمهوری چک، رومانی، رواندا، ژاپن، سنگاپور، عربستان سعودی، فرانسه، کانادا، کره جنوبی، کلمبیا، لوکزامبورگ، لهستان، مکزیک، نیجریه، نیوزلند، هلند، هند.

فخرالدین سلطانی در فصلنامه مطالعات بین‌المللی در سال ۱۴۰۰ نوشته شده است که در خصوص تحول سیاست بین‌المللی و تاثیر آن در فضای ماوراء جو، صحبت کرده است (رستگاریا، زرگر و سلطانی، ۱۴۰۰: ۱۶۳-۱۸۱)؛ (Rastegarnia, Zargar, Soltani, 2021: 163-181) و در نهایت میتوان به بخش ۴-۴ مقاله «صیانت از حقوق شهروندی در فضای سایبر در پرتو نسل سوم حقوق بشر با تاکید بر حقوق ایران»، نوشته لیلا رئیسی، در فصلنامه مطالعات بین‌المللی در سال ۱۴۰۲ اشاره کرد. این بخش در خصوص میراث مشترک بشریت صحبت کرده است که فضای ماوراء جو را نیز شامل می‌شود. (رئیس، ۱۴۰۲: ۵۳)؛ (raisi, 2024: 53) با توجه به پیشرفت فناوری، در تحقیقات ذکر شده، لزوم تدوین موافقت‌نامه ای جدید که به رشد و تکامل حقوق فضا در عصر جدید، کمک کند، بیان نشده است. اما توافق‌نامه آرتمیس، این خلاء را با اقتباس از معاهده فضا و موافقت‌نامه ماه، جبران کرده است که تا به الان در پژوهش‌ها، به طور آشکار اشاره نشده است. بنابراین این مقاله، جنبه بدیع بودن را در بررسی این موضوع به همراه دارد.

۲- چارچوب مفهومی

فضای ماوراء جو، فضایی که ورای کره زمین است و به عنوان میراث مشترک بشریت شناخته می‌شود، دارای وضعیت خاص و منحصر به فردیست، به طوری که نیازمند معاهدات و توافقنامه‌های به روز جهت حفظ وضعیت آن چه از لحاظ جغرافیایی و چه از لحاظ حقوقی می‌باشد. کنترل بر مدارها، نقاط حساس در فضای ماوراء جو و دست یابی و بهره برداری از منابع طبیعی موجود در این عرصه که فراهم کننده طیف وسیعی از امکانات است، پشتوانه ای برای دولت‌های مسلط بر این عرصه برای کسب، حفظ و گسترش قدرت خواهد بود. (رستگاریا، زرگر و سلطانی، ۱۴۰۰: ۱۶۶) (Rastegarnia, Zargar, Soltani, 2021: 166) تا به الان، معاهدات مرتبط با فضای ماوراء جو از جمله معاهده فضا و موافقت‌نامه ماه، جوابگوی فناوری مرتبط با فضا بودند، اما با توجه به پیشرفت تکنولوژی و ترکیب آن با سیاست، وجود یک موافقت‌نامه جدید، در این زمینه احساس شد تا بتوان قدرت و رقابت کشورهای پیشرفته را کنترل و تعدیل کرد.

۳- تاریخچه

ماموریت‌های بدون سرنشین دهه‌های گذشته و فعالیت‌های فضایی از جمله ساخت و پرتاب موشک‌های فضایی، ماهواره‌ها، کاوشگرهای سیاره‌ای، ناوبری فضایی و ... امکان رشد فناوری فضایی را نشان داد، توجه به ایجاد یک چارچوب قانونی برای استخراج منابع در فضا، معطوف شد. قانون رقابت پذیری پرتاب فضایی تجاری آمریکا مصوب سال ۲۰۱۵، به شرکت‌های خصوصی و اتباع آمریکا اجازه فعالیت معدنکاری در ماه را می‌دهد. این قانون فقط بر شرکت‌های آمریکایی قابلیت اعمال دارد (لوائی، ۱۴۰۰: ۸)؛ (Lavayee, 2021: 8). همچنین لوکزامبورگ، در سال ۲۰۱۷ قانون استخراج فضایی را تصویب کرد که هدف آن کاهش محدودیت‌های شرکت‌های خصوصی

¹ The Commercial Space Launch Competitiveness Act of 2015.

در فعالیت‌های استخراجی در فراتر از زمین است. در پی تصویب این قانون، لوکزامبورگ به امضای تعدادی از توافقات با کشورهای دیگر برای تحکیم بیشتر درک بین‌المللی از معدن کاری در فضا دست زد. لوکزامبورگ در نوامبر ۲۰۱۷ قراردادی پنج ساله با دولت ژاپن برای تبادل اطلاعات در مورد استخراج منابع فضایی و کار مشترک بر روی پروژه‌های آتی امضا کرد و توافقات مشابهی با پرتغال و امارات متحده عربی نیز امضا شد. در مارس ۲۰۱۹ لوکزامبورگ با روسیه بر سر پیمان جدیدی برای معدنکاری فضایی گفتگو کرد و بدین ترتیب قدرت‌های جهانی بیشتری وارد چارچوب معدنکاری فضایی لوکزامبورگ می‌شوند (لوائی، ۱۴۰۰: ۹)؛ (Lavayee, 2021: 9). این دو قانون بستری را برای انعقاد توافق‌نامه فراهم کردند.

۴- ویژگی اصولی توافق‌نامه آرتمیس

توافق‌نامه آرتمیس با هدف اجرای مفاد معاهده فضا منعقد شده است (Artemis Accords, 2020: Preamble Para 10). این توافق‌نامه شامل رهنمون‌هایی است که بهترین روش‌های کاربردی مثل شیوه‌های همکاری، شفاف سازی و استفاده مسالمت آمیز از فضای ماوراءجو، کمک به فضانوردان، ثبت اشیاء فضایی، انتشار اطلاعات علمی، حفاظت از میراث فضایی، بهره‌برداری از منابع فضایی، عدم اختلاف در اقدامات فضایی و استفاده پایدار از فضا در اکتشافات کرات آسمانی توسط انسان را ارائه می‌دهد (Artemis Accords, 2020: Preamble Para 5). توافق‌نامه از لحاظ قانونی الزام آور نیست (Artemis Accords, 2020: Preamble Para 10 and S 13). برای توضیح بهتر، مفاد توافق‌نامه به سه دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول شرایط معاهده فضا را در محتوی دقیق این توافق‌نامه تغییر می‌دهد. دسته دوم شروط معاهده فضا را به مرحله اجرا می‌رساند؛ حقوق و تعهدات موجود در این توافق را برای ما شفاف سازی می‌کند. سومین دسته ایده‌های جدیدی را معرفی می‌کند.

در بخش‌های زیر به بررسی سه دسته از شروط مندرج در توافق‌نامه پرداخته می‌شود. در ابتدا شروط توافق‌نامه و مفاد معاهده فضا و دیگر اسناد حقوقی بین‌المللی مربوطه بررسی می‌شود. سپس شروط توافق‌نامه را با اضافه کردن جزئیاتی به مفاد معاهده فضا و دیگر اسناد حقوق بین‌الملل با پاسخ به این سوال که آیا این شروط در ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق معاهدات وجود دارند یا نه مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نهایت اصول جدید در توافق‌نامه بررسی خواهد شد.

۴-۱- تلفیق مقررات حقوق بین‌الملل

مفاد توافق‌نامه آرتمیس که مفاد معاهده فضا و سایر اسناد بین‌المللی را در برمی‌گیرد، به نوبه خود به سه نوع دسته بندی می‌شوند. نوع اول شامل انتقال کلمه به کلمه مفاد معاهده فضا به متن توافق‌نامه است. به عنوان مثال، بخش ۳ توافق‌نامه بیان می‌کند که هر فعالیتی که توسط امضاکنندگان انجام شود باید «انحصاراً برای اهداف صلح‌آمیز باشد»، بنابراین مفاد مندرج در بند ۲ ماده ۴ معاهده فضا را تکرار می‌کند که در ماده ۳ موافقت‌نامه ماه نیز تکرار شده‌اند (حسینی، ۱۳۹۳: ۲۵۰)؛ (Hoseini, 2015: 250)؛ (Outer Space Treaty, 1967: Article IV Para 2). علاوه بر این، در بخش

ششم توافقنامه آمده است که امضاکنندگان باید به فضانوردانی که در شرایط بحرانی در فضای ماوراء جو هستند، کمک برسانند که این هم دقیقاً مشابه ماده پنجم معاهده فضا است. نوع دوم شامل مقرراتی است که به جای تکرار محتوای آنها، به بخشی از مواد معاهده فضا استناد می کند. مثلاً در بخش چهارم از این توافقنامه از کشورهای امضاکننده خواسته شده تا اطلاعات علمی به دست آمده از اقدامات فضایی خود را با حسن نیت و مطابق با ماده یازدهم معاهده فضا، یعنی ارائه جزئیات، محل و نحوه انجام این اقدامات را در اختیار عموم مردم و جوامع علمی بگذارند (Outer Space Treaty, 1967: Article XI). سومین دسته به شروطی از توافقنامه اشاره دارد که ارتباط ضعیفی با متن معاهده فضا دارد، اما با این وجود مبتنی بر اسناد حقوق بین الملل است. برای مثال، بخش چهارم توافقنامه، کشورهای امضاکننده را ملزم می کند تا استانداردهایی را اتخاذ کنند که قابلیت همکاری زیرساخت های مورد استفاده برای اکتشافات فضایی را تضمین کند. این ماده منعکس کننده رویه تثبیت شده در زمینه همکاری های بین المللی در فضا است که قدمت آن به ماموریت مشترک آپولو-سایوز در سال ۱۹۷۵ باز می گردد (Lebedev and Romanov, 1979: 40). بر این اساس مفاد بخش پنجم توافقنامه با پاراگراف دوم ماده پنجم معاهده فضا یکسان است که در هر دوی آنها از فضانوردان خواسته شده همه کمک های ممکن را به فضانوردان دیگر کشورهای عضو در مواقع ضروری ارائه دهند. مثال دیگری از این نمونه، مقررات مربوط به ثبت اجرام فضایی مندرج در بخش هفتم توافقنامه است. با الزام کشورهای امضاکننده به تعیین اینکه کدام یک از آنها باید هر شی فضایی مربوطه را ثبت کنند، توافقنامه به طور غیرمستقیم به مواد ۵ و ۷ معاهده فضا، اشاره می کند. در نهایت در بخش دوازدهم این توافقنامه از کشورها امضاکننده خواسته می شود تا یک برنامه کاهش بقایای زباله های فضایی را در توافقنامه های دو جانبه خود قرار بدهند. مفاد بخش دوازدهم توافقنامه با وظایف کشورها در اجرای اقدامات فضایی «به دلیل منافع مشترک موجود» دیگر کشورها که در ماده یازدهم معاهده فضا نوشته شده، مرتبط است. در نهایت می توان گفت شروط این توافقنامه از رویه بین المللی به دور نیست.

۴-۲- پالایش مقررات حقوق بین الملل

دو بخش از توافقنامه حاوی مقرراتی است که هدفشان اجرای تعهدات نوشته شده با مشخص کردن وظایف اجرایی کشورها و سایر بازیگران فعال در فضا، در معاهده فضا است. این سوال پیش می آید که آیا توافقنامه مطابق ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین با هدف تفسیر معاهده فضا، منعقد شده است؟ در ادامه این مسئله را با تعیین اینکه شروط بخش دهم (منابع فضایی) و یازدهم این توافقنامه (عدم تعارض فعالیت های فضایی) با شروط نوشته شده در معاهده فضا مرتبط هستند و اثر یکسانی دارند بررسی می شود.

۴-۲-۱- منابع فضایی

معاهده فضای ماوراء جو در سال ۱۹۶۷ زمانی به تصویب رسید که فناوری فضایی هنوز در مراحل اولیه خود بود. این معاهده حاوی مقرراتی است که اصول اساسی حقوق بین الملل فضا را ایجاد می کند. مثلاً ماده دوم معاهده فضا بیان می دارد: «فضای ماوراء جو از جمله ماه و دیگر اجرام سماوی را نمی توان از طریق ادعای حاکمیت، بهره برداری، تصرف یا هر روش دیگری به مالکیت

کلی در آورد». پنجاه سال بعد از تصویب معاهده فضا، فناوری فضایی بطور قابل توجهی پیشرفت کرده است و کاربردهای فناوری فضایی، به یکی از ویژگی‌های زندگی روزمره تبدیل شده است. با توجه به این موضوع، دانیلنکو استدلال می‌کند که فعالیت‌های فضایی جدید مستلزم اتخاذ قوانین دقیق‌تر است (Danilenko, 2016: 179).

بخشی از کار گروه مطالعاتی کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد معاهدات در طول زمان نیز قابل توجه است. این مطالعه می‌گوید: «زمانی که معاهدات مهم به سن خاصی می‌رسند، زمینه‌ای که در آن عمل می‌کنند با آنچه در آن شکل گرفته‌اند، متفاوت می‌شود. طرف‌های معاهده معمولاً خواستار حفظ توافق خود هستند، اما به شیوه‌ای که با نیازهای روز همخوانی داشته باشد. هدف توافق بعدی و عملکرد بعدی، یافتن رویکردی انعطاف‌پذیر برای اعمال و تفسیر معاهده است، رویکردی که در عین حال منطقی و قابل پیش‌بینی باشد» (Yearbook of the International Law Commission, 2008: 154). در این زمینه، تفسیر اصل عدم تخصیص مندرج در ماده دوم معاهده فضا، موضوع بخش ۱۰ توافق‌نامه است که مربوط به استخراج و استفاده از منابع فضایی است. پاراگراف اول این بخش بیان می‌دارد: «استفاده از منابع فضایی می‌تواند با ارائه پشتیبانی حیاتی برای عملیات ایمن و پایدار به نفع بشر باشد». این ماده به استفاده از منابع فضایی در محل معمولشان برای حمایت از عملیات علمی اشاره دارد که یافته‌های این عملیات در اختیار عموم مردم و جوامع علمی قرار خواهد گرفت. از این نظر، این ماده مطابق با مفاد ماده ۱ معاهده فضا است. بند ۱ ماده ۴ موافقت‌نامه ماه نیز، مفاد ماده ۱ معاهده فضا را تکرار نموده و علاوه بر آن تصریح می‌کند که در اکتشاف و بهره‌برداری از ماه باید به حقوق نسل‌های حال و آینده بشر، توجه شود و مطابق با منشور سازمان ملل متحد در راه ترقی سطح زندگی و پیشرفت و توسعه اقتصادی و اجتماعی ابناء بشر کوشش شود (حسینی، ۱۳۹۳: ۲۵۵)؛ (Hoseini, 2015: 255). ه

مچنین مقرر می‌دارد که قراردادها و دیگر اسناد حقوقی مرتبط با منابع فضایی باید با معاهده فضا سازگاری داشته باشند. بدون شک مرجع پاراگراف دوم، ماده ششم معاهده فضا است که کشورها را ملزم به نظارت مداوم بر بخش‌های خصوصی مشغول به کار در فضا می‌داند. به نظر می‌رسد عنصر جدید معرفی شده در توافق‌نامه، توضیح اصطلاح «مالکیت ملی» در مفاد معاهده فضا است. در اینجا این سوال پیش می‌آید که آیا معنی کردن «مالکیت ملی» در پاراگراف دوم بخش دهم توافق‌نامه، تفسیر جدیدی از ماده دوم معاهده فضا در زمینه‌ای متفاوت است یا خیر. کمیسیون حقوق بین‌الملل رویه بعدی را به عنوان یک وسیله تفسیر معتبر می‌داند (UN Doc, 2018: Conclusion 3)، مشروط بر اینکه در مفهوم بند (ب) قسمت ۳ ماده ۳۱ کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات باشد. این بند بیان می‌دارد: «هر نوع رویه بعدی در اجرای معاهده که موید توافق طرف‌های معاهده در خصوص تفسیر آن باشد» به مدیریت در اجرای معاهده بعد از نتیجه‌گیری اشاره می‌کند که باعث توافق میان طرفین قرارداد می‌شود (UN Doc, 2018: Para 2).

مفهوم این بند شامل دو عنصر است: مدیریت در اجرای معاهده و توافق بین طرفین که از همان مدیریت منتج شده است. بر همین اساس این دو عنصر به طور جداگانه تعریف می‌شود تا بتوان

ثابت کرد که امضای توافقنامه توسط هشت کشور با فعالیت‌های آتی، در خصوص اصطلاح «مالکیت ملی» در ماده دوم معاهده فضا، اثر یکسانی دارد (Aust, 2013: 214).

اولاً، در رابطه با رفتار، شناسایی رویه بعدی مربوطه مستلزم تعیین این است که آیا طرفین در مورد تفسیر معاهده موضعی اتخاذ کرده‌اند یا خیر (UN Doc, 2018: Para 1). کمیسیون حقوق بین‌الملل تصریح کرده است که «اگر طرفین صرفاً برای ایجاد یک ترتیب عملی توافق کرده باشند، چنین موضعی اتخاذ نمی‌شود» (UN Doc, 2018: Para 1). این طور به نظر می‌رسد مفاد توافقنامه به توافق بین طرفین در مورد تفسیر معاهده فضا، اشاره نمی‌کند. بنابراین می‌توان گفت کشورهای متعاقد، موافقت خود را از طریق توافقات دوجانبه آتی اعلام خواهند کرد. همچنین کشورهای متعاقد این توافقنامه قصد اصلاح یا تغییر مفاد معاهده فضا را ندارند (UN Doc, 2018: Para 3). این به معنی نیست که فعالیت‌های آتی با اهداف تفسیر معاهده نامرتب هستند بلکه باتوجه به ماده ۳۲ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین ممکن است به معنای تفسیر تکمیلی نیز باشد.

بر این اساس اهمیت فعالیت‌های آتی با دو معیار سنجیده می‌شوند. اولین معیار مربوط به وضوح و خاصیت فعالیت‌های در دسترس است (UN Doc, 2018: Para 1). در پاراگراف دوم بخش دهم توافقنامه بنظر می‌رسد که تنظیم متن شروط این توافق شامل استدلال مدور است. مثلاً نوشته شده که شرط استخراج و استفاده از منابع فضایی آن است که باید مطابق معاهده فضا باشند و همچنین نوشته شده استخراج منابع فضایی ذاتاً به منزله تخصیص ملی نیست (Artemis Accords, 2020: S 10). این دو بخش، وضوح یکی از تفاسیر معاهده فضا را تایید می‌کند. به بیان دیگر به طور ضمنی می‌گوید که ترتیب دادن روش‌هایی برای استخراج منابع فضایی، همانطور که در توافق‌نامه‌های دوجانبه توصیف شده، بر قانونی بودن این فعالیت‌ها تحت معاهده فضا دلالت می‌کنند (Hobe, De 4: Man, 2017). در نتیجه توافقنامه پاسخگوی معیار اول نیست.

دومین معیار به تکرار فعالیت‌ها در طول زمان اشاره می‌کند (UN Doc, 2018: Para 2). این توافقنامه توسط ۳۲ کشور امضا شده است. با توجه به تعداد کشورهای عضو معاهده فضا، این رقم از نظر تفسیر معاهده نه تعیین کننده است و نه ناچیز، زیرا توافقنامه اساس مشارکت بیشتر بین ناسا و هر کشور دیگری را تشکیل خواهد داد که مایل به مشارکت در تحقق برنامه آرتمیس هستند. بنابراین بنظر می‌رسد که اهمیت این توافقنامه به‌عنوان اقدامات آتی باید از دیدگاه آینده فضایی درنظر گرفته و در مراحل بعدی ارزیابی شوند. از این رو توافقنامه پاسخگوی معیار دوم هم نیست. دومین عنصر تعیین کننده فعالیت‌های آتی به عنوان ابزار معتبر تفسیر معاهده، توافق طرفین در خصوص تفسیر معاهده است. کمیسیون حقوق بین‌الملل تصریح می‌کند که در ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین برای یک توافق به درک کامل قراردادی که طرفین از آن باخبر بوده و با آن موافقت می‌کنند نیاز است (UN Doc, 2018: Para 1). متن نوشته شده در توافقنامه در این خصوص صریح است. برای مثال در توافقنامه آمده است هشت کشور امضاکننده تایید می‌کنند که بر اساس ماده دوم معاهده فضا، استخراج منابع فضایی، انحصار ملی برای مدتی طولانی ایجاد نمی‌کند (Artemis

Accords, 2020: S 10 Para 2). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که این کشورها این حقیقت را درک کرده‌اند. با اینحال طرح کلی این تفاهم یا موافقت، از آنجایی که شروط پاراگراف دوم بخش دهم توافق‌نامه هیچ راهنمایی در این خصوص نکرده، روشن نیست؛ چراکه این توافق‌نامه تنها به بیان اینکه «قراردادها و دیگر ابزار قانونی مرتبط با منابع فضایی باید در چارچوب قوانین معاهده جلو بروند» بسنده کرده است.

باتوجه به ملاحظات بالا اینطور به نظر می‌رسد که بخش دهم توافق‌نامه، نه توضیح معتبری از ماده دوم معاهده فضا ارائه کرده و نه قصد اصلاح یا تغییر آن‌ها را دارد. سکوت طرفین یا حتی یکی از آن‌ها منجر به پذیرش فعالیت‌های آتی که توافق‌نامه آن‌ها را اجرایی کرده می‌شود که همین باعث توسعه یا تولید اجماع حقوقی مربوط به خلق حقوق عرفی می‌شود (ICJ Rep, 1962: P 23).

۴-۲-۲- عدم تعارض فعالیت‌های فضایی

بخش یازدهم توافق‌نامه به موضوع عدم تعارض فعالیت‌های فضایی می‌پردازد. پاراگراف سوم و چهارم این بخش به دو اصل مندرج در ماده نهم معاهده فضا اشاره دارد؛ اصلی که در آن دولت‌ها باید فعالیت‌های خود را در فضا با توجه به منافع مربوطه سایر دولت‌های طرف معاهده انجام دهند و وظیفه دارند از مداخله مضر در فعالیت دیگر دولت‌ها پرهیز کنند. برای اجرای این اصول در پاراگراف پنجم بخش یازدهم توافق‌نامه آمده است که دولت‌های امضاکننده باید اطلاعات مربوط به مکان و ماهیت فعالیت‌های خود را در اختیار یکدیگر قرار داده و برای جلوگیری از هرگونه حوادث مضر، مکانی امن درست کنند. دولت‌ها از ساخت این مکان‌های امن که بطور موقتی ساخته می‌شوند دو هدف دارند. اول اینکه، این مکان‌ها به اکتشافات علمی کمک می‌کنند. دوم اینکه، با ساخت این مکان‌ها طبق شروط بخش دهم توافق‌نامه، به تسهیل فرآیند استخراج و استفاده ایمن و موثر از منابع فضایی با حمایت از پروژه‌های اکتشاف فضایی پایدار و دیگر اقدامات می‌پردازند (Artemis Accords, 2020: S 11).

مفهوم منطقه امن در معاهده فضا ذکر نشده است. از این نظر، معرفی آن در بخش ۱۱ توافق‌نامه نشان دهنده یک نوآوری واقعی است. در پاراگراف دوم بخش یازدهم توافق‌نامه به مورد دوم اشاره شده که به دستورالعمل‌های سازمان ملل برای پایداری بلند مدت فضا اشاره دارد (UN Doc, 2019: Annex II). این سوال پیش می‌آید که آیا مفاد بخش یازدهم موافقت‌نامه براساس ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین باعث اقدامات بیشتر می‌شود یا خیر؟ آیا آنها تفسیر معتبری از معاهده فضا هستند؟

پاراگراف هفتم بخش یازدهم این توافق‌نامه، چهار اصل را برای ایجاد مناطق ایمنی که امضاکنندگان متعهد به رعایت آنها هستند، تعیین می‌کند. این چهار اصل به اندازه، دامنه و دوام این منطقه مربوط می‌شوند و با شرط انتشار اطلاعات، بیان پیشرفت‌های عملیاتی و مشورت دوره‌ای با طرفین دیگر تکمیل می‌شوند. در این خصوص، مفاد بخش یازدهم بسیار صریح و شفاف هستند. همچنین قابل ذکر است که ایجاد مناطق ایمن یکی از چندین راه‌های ممکن برای جلوگیری از خسارات و حوادث پیش‌بینی نشده و تداخل مضر است. در نتیجه مفاد بخش یازدهم توافق‌نامه دامنه

ماده ۹ معاهده فضا را گسترده یا محدود نمی‌کند. این شروط بطور محدودی فعالیت‌های آتی ذکر شده در بند ۳ ماده ۳۱ کنوانسیون وین را کامل می‌کنند.

مسائل زیادی در خصوص میزان استقبال از مفهوم مناطق ایمنی در خصوص اکتشافات فضایی باقی مانده است. بنابراین می‌توان گفت توافق‌نامه یکی از فعالیت‌های آتی یا تکمیل‌کننده معاهده فضا طبق ماده ۳۱ کنوانسیون وین می‌باشد (UN Doc, 2018: Para 3).

۴-۳- معرفی مفهومی جدید

بخش نهم توافق‌نامه، مفهوم جدیدی را در حقوق بین‌الملل فضایی یعنی حفظ میراث فضایی ماوراء جو معرفی می‌کند. این بخش می‌گوید: «امضا کنندگان قصد دارند میراث فضایی ماوراء جو را حفظ کنند و این یعنی مکان‌های فرود انسان یا ربات از نظر تاریخی، هواپیما، موشک و دیگر شواهد موجود از فعالیت‌های انجام شده بر روی کرات آسمانی مطابق با استاندارد و شیوه‌های توسعه یافته متقابل که توافق کرده‌اند». هیچ یک از شروط ذکر شده در معاهده فضا، حفظ این میراث را کامل بیان نکرده است. یکی از شروطی که به این موضوع اشاره اندکی داشته در پاراگراف سوم ماده هفتم توافق‌نامه ماه است. این بند تجلی این اندیشه است که مناطق علمی روی ماه و دیگر اجرام آسمانی، در آینده به عنوان مناطق حفاظت شده بین‌المللی تعیین شوند. در حالی که تعهد به گزارش وجود چنین مکان‌هایی الزامی است، بررسی و تعیین این مناطق به عنوان مناطق حفاظت شده علمی، جنبه اختیاری دارد و آیین مشخصی برای تعیین این مناطق وجود ندارد (امین‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۳۸)؛ (Aminzadeh, 2019: 138).

پاراگراف دوم بخش نهم توافق‌نامه از دولت‌های متعاقد می‌خواهد در خصوص توسعه قوانینی برای حفظ میراث فضایی به صورت چندجانبه با هم مشارکت داشته باشند. در عمل، حفاظت از مکان‌ها و آثار با ارزش تاریخی روی سطح ماه و دیگر کرات آسمانی مستلزم ساخت مناطقی ایمن در هنگام خطرات احتمالی است (Hanlon, Cunningham, 2019: 309). تفاوت اصلی میان ساختن منطقه‌ای امن جهت تسهیل استفاده از منابع طبیعی بر روی کرات آسمانی و حفاظت از میراث بشریت در فضا این است که در اقدام دوم با ساخت منطقه‌ای، از خسارات وارده به مکان‌های فرود و وسایل غیر کاربردی قدیمی جلوگیری می‌کند. از طرف دیگر در بند ۱ ماده ۹ موافقت‌نامه ماه، جواز احداث پایگاه‌هایی در ماه صادر شده که هم می‌توانند سرنشین داشته و هم نداشته باشند. در بند ۲ همان ماده گفته است این پایگاه‌ها بایستی کمترین مساحت ممکن را اشغال سازند و در بند ۳ ماده ۱۱ نیز به این مهم اشاره شده است که در منطقه فعالیت پایگاه‌ها هیچ حق مالکیتی به وجود نخواهد آمد (حسینی، ۱۳۹۳: ۲۵۷)؛ (Hoseini, 2015: 257).

وسایل و فضاپیماهای تاریخی پرتاب شده به فضا متعلق به دولتی است که آن‌ها را بر روی سطح کرات آسمانی قرار داده است (Outer Space Treaty, 1967: Article VIII). مثلاً پرچم کشور چین توسط مأموریت 5 Chang'e که در سال ۲۰۲۰ صورت گرفت. گرچه این نظر راجب دیگر فعالیت‌های انجام گرفته بر روی کرات آسمانی ممکن است اعمال نشود (Artemis Accords, 2020: 9 S)، مثل رد چکمه‌های نیل آرمسترانگ روی محل فرود فضاپیماي آپولو یازده در سال ۱۹۶۹ یا

رد چرخ‌های وسیله نقلیه گشت و گذار بر روی ماه در ماموریت آپولو پانزده در سال ۱۹۷۱. در معاهده فضا هیچ معیاری راجع به صلاحیت وسایل با ارزش تاریخی دیگر به عنوان میراث فضایی ذکر نشده است. در بخش نهم توافق‌نامه آمده است که دولت‌ها باید نسبت به شناسایی میراث فضایی و معیارهای مرتبط با شناسایی با هم همکاری کنند. بنابراین اینطور به نظر می‌رسد که خسارت زدن به اشیاء تاریخی و با ارزش بشریت، مسئولیت دولت را برای نقض اصل توجه مناسب به منافع مربوطه سایر دولت‌ها که در ماده نهم معاهده فضا بیان شده است، به همراه خواهد داشت.

با توجه به موارد فوق اینطور به نظر می‌رسد که مفهوم میراث فضایی با شروط ذکر شده در معاهده فضا سازگار است، هرچند شروط این معاهده برای حفاظت موثر از میراث فضایی کافی نیستند و نیاز به تأیید قوانین از پیش صحبت شده توسط جامعه بین‌المللی دارند. بر این مبنا بخش نهم از توافق‌نامه نسبت به شروط معاهده فضا ابتکاری قابل توجه است.

۴-۴- تأثیر توافق‌نامه آرتمیس بر تکامل حقوق بین‌الملل فضایی

از دیدگاهی اساسی، توافق‌نامه بر اساس اصول تثبیت شده حقوق بین‌الملل فضایی به ویژه مفاد معاهده فضا استوار است. به همین علت این توافقات بیشتر جنبه ابتکاری دارند. با این حال، از منظر رسمی، آنها به طرز محسوسی از رویه مذاکره در مورد اصول حاکم بر حقوق فضا در سازمان ملل دور می‌شوند. بنابراین، در این بخش، به تأثیر توافق‌نامه بر توسعه حقوق فضا با تعیین اینکه آیا فرآیند پذیرش آن به یک مدل بالقوه جدید برای قانون‌گذاری فضای ماوراء جو می‌رسد، پرداخته می‌شود.

در نبود مقررات پیشین در این زمینه و با توجه به این واقعیت که فناوری بکارگرفته شده در اجرای فعالیت‌های فضایی می‌تواند برای اهداف صلح آمیز و غیر آن باشند، معاهدات فضایی ملل متحد، هدفشان کنترل فعالیت‌های آینده فضایی دولت‌ها از طریق دستیابی به اصول گسترده است (Hobe, De Man, 2017: 5). بر این اساس، این اصول، ویژگی پیش‌بینی‌کننده نظارت بر فضا را دارند.

در حقیقت با ظهور جهانی شدن، دامنه فعالیت‌های فضایی، ابعاد کاملاً جدیدی پیدا کرده است. پیشرفت‌های فناوری و علمی، باعث شده‌اند که مفاد معاهدات فضای ماوراء جو برای هدایت فعالیت‌های فضایی تجاری یا علمی جدید، نیاز به اصلاح داشته باشند. مخصوصاً با ظهور بخش‌های خصوصی به عنوان شرکت‌کنندگان تمام عیار در اکتشاف و استفاده از فضا، بر نیاز تغییر مجامع چند جانبه‌ای مثل کوپوس به مجامع داخلی به عنوان بستر مطلوب برای دولت‌ها برای توسعه سیاست‌های فضایی آن‌ها می‌توان تأکید کرد (De Man, 2017: 92). این تغییر بیشتر در روند تنظیم فعالیت‌های منابع فضایی دیده می‌شود. به عنوان مثال، ایالات متحده و لوکزامبورگ قوانینی را اختصاص داده‌اند که حقوق مالکیت را به شرکت‌های استخراج‌کننده منابع فضایی اعطا می‌کند (US Commercial Space Launch Competitiveness Act, 2015: Article 90-114 and Law of the Exploration and use of Space Resources, 2017: No. 674). چنین کشورهایی مدعی هستند که در چارچوب معاهدات چندجانبه در مورد فضای ماوراء جو که به تصویب رسانده‌اند، عمل می‌کنند (Hobe, De

(Man, 2017: 7).

در این زمینه، توافق نامه روند گسترده تری در خصوص قانون گذاری برای فضای ماورای جو است که آمیخته ای از چندجانبه گرایی و قوانین ملی یک جانبه است. این توافق نامه با هدف دستیابی به اصول اساسی در توافقات دوجانبه آتی بین ناسا و دیگر دولت های متعاقد، مبنای توافق نامه های بعدی را بدون ارائه جزئیات چنین توافق نامه هایی بیان می کند. با انجام این کار، آنها از رویکرد پیش بینی به تنظیم فعالیت های فضای ماوراء جو که توسط معاهدات فضایی سازمان ملل متحد تایید شده است، فاصله می گیرند. از طرفی این توافق نامه قصد ارائه هیچ گونه اصول جدید در حقوق بین الملل فضایی را ندارد و از طرفی دیگر طرح و نقشه حکومت بر فعالیت های منابع فضایی را ارائه می دهد. از این منظر محدود، این توافق نامه در روند گسترده تری در تحکیم مفهوم نظارت مرحله ای استخراج منابع فضایی سهیم هستند.

از جمله مواد مشترک فی ما بین توافق نامه و معاهده فضا و موافقت نامه ماه، می توان به موارد زیر اشاره کرد: اهداف صلح آمیز مطابق با حقوق بین الملل، انتشار اطلاعات با حسن نیت، استاندارد های قابلیت همکاری، کمک به پرسنل در مواقع بحرانی، ثبت اشیای فضایی، حفظ میراث فضا، عدم مالکیت (استخراج منابع فضا باعث مالکیت نمی شود)، آگاه کردن دبیر کل سازمان ملل متحد و جامعه بین المللی از استخراجات منابع فضایی و توجه به منافع مشارکتی دیگر دولت ها. اما در این توافق نامه مواد جدیدی نیز بیان شده است مانند معافیت از انتشار اطلاعات علمی برای حفاظت از اپراتورهای خصوصی، توسعه برنامه های پایدار فضایی، پایداری طولانی مدت فضا، ایجاد مناطق ایمن، حفاظت از اطلاعات کنترل شده و اختصاصی، به حداقل رساندن بقایای مداری، بازبینی دوره ای توافقات آرتمیس.

فرآیند تعریف حقوق مرتبط با استخراج منابع بر اساس عملکرد واقعی اپراتورهای فضایی، فرآیندی عمل گرایانه است که هم بر نتایج بحث ها در مجامع چندجانبه مختلف تأثیر می گذارد و هم تحت تأثیر آن است. در این خصوص می توان به ماده ۱۱ توافق نامه ماه اشاره کرد. ماده ۱۱ از اهمیت ویژه ای برخوردار است، زیرا فعالیت های اقتصادی در فضا را در بستر کنونی منافع اقتصادی جای می دهد. از این رو، ماده ۱۱ هم به حقوق فضای موجود مرتبط است و هم نشانه ای از مقررات احتمالی آینده در مورد فعالیت های فضایی تجاری است. در این موافقت نامه برای اولین بار، فضا به عنوان «میراث مشترک بشریت» اعلام شده و هرگونه حقوق مالکانه در ارتباط با این منابع ممنوع اعلام می شود. به این معنا که منابع طبیعی فضا، مشترک برای همه دولت ها بوده و باید به طور مساوی و به نفع همه بشریت توزیع شود (رضی پور، ۱۳۹۳: ۸۴)؛ (Razipour, 2015: 84). موافقت نامه ماه، همانند معاهده فضا، آشکار می سازد که صرف تصرف منطقه ای، از راه مستقر شدن یا هرطور دیگر، نمی تواند با «اختصاص ملی» یا اعمال حقوق مالکیت در خصوص چنین منطقه ای برابر شود (نواده توپچی، ۱۳۹۷: ۶۳)؛ (Navadeh Toopchi, 2019: 63).

در همین راستا پاراگراف ششم بخش یازدهم توافق نامه بیان می کند: «امضا کنندگان قصد دارند از تجربیات خود تحت این توافق نامه برای کمک به تلاش های چندجانبه برای توسعه بیشتر رویه ها،

معیارها و قوانین بین‌المللی قابل اجرا برای تعریف و تعیین مناطق ایمنی و مداخلات مضر استفاده کنند.»

همان‌گونه که در بالا گفته شد، در معاهده فضا و معاهده ماه چیزی راجع به منطقه‌ایمن گفته نشده و تنها به اصول و قوانین مورد نیاز برای ساخت این گونه مناطق اشاره کرده که یعنی از انجام کارهایی که برای فعالیت‌های دیگر طرفین زیان‌بار است پرهیز کند. اینطور به نظر می‌رسد فعالیت‌های بین‌المللی که در حال افزایش هستند، نقطه شروع بحث‌های چندجانبه‌ای هستند که برای جلب توافق همگانی در ساخت این مناطق ایمن انجام می‌شوند.

آخرین موضوع مهم، در بخش نهم توافقات در خصوص بحث‌های چندجانبه جهت توسعه مفهوم میراث فضا است. در موافقت‌نامه ماه، بند نخست ماده ۱۱ اعلام می‌کند که منابع طبیعی ماه «میراث مشترک بشریت» هستند. نکته مهم آن است که معنای این مفهوم را نباید با توسل به کاربرد و استفاده آن در خارج از این موافقت‌نامه، بلکه صرفاً باید در درون موافقت‌نامه و به طور مشخص، بند ۵ ماده ۱۱ تعیین کرد. بند ۵ ماده ۱۱ موافقت‌نامه ماه اشعار میدارد که دول طرف این موافقت‌نامه باید در میان خودشان یک رژیم بین‌المللی برای مدیریت استخراج منابع طبیعی ماه پایه‌ریزی نمایند و زمان آن را وقتی عنوان کرده که این امکان نزدیک باشد. (حسینی، ۱۳۹۳: ۲۶۴) (Hoseini, 2015: 264) بند ۷ ماده ۱۱، ساختار و ویژگی‌های اصلی این نظام را برای بهره‌برداری نهایی از منابع طبیعی ماه، مقرر کرده است. بنابراین به منظور ادراک کامل معنا، دامنه و کاربرد اصل میراث مشترک بشریت، نباید صرفاً بند نخست ماده ۱۱ را در نظر گرفت، بلکه آن را باید به طور هماهنگ با مقررات دیگر بندهای ماده ۱۱ و سایر مواد موافقت‌نامه تفسیر کرد.

موافقت‌نامه به اشتراک منافع ناشی از فعالیت‌های فضایی اشاره نمی‌کند. همچنین هیچ برنامه‌ریزی سازمانی جهت اجرا و بازبینی قوانین و اصول حکومت بر فضا متصور نیست و نه سازوکار و روشی برای حل اختلافات در نظر گرفته است. با این حال، تعهد امضاکنندگان به تلاش‌های چندجانبه و بازنگری دوره‌ای متن توافق‌نامه، مانع از هرگونه تغییر در آن جهت نمی‌شود (Artemis Accords, 2020: S 13)، بنابراین امکان تحول بیشتر را در نظر می‌گیرد. بر این اساس، موافقت‌نامه ممکن است از پیشرفت‌هایی بر اساس چارچوب‌های ملی و بین‌المللی برای اداره فعالیت‌های منابع فضایی، بهره‌مند شود (Xu, Su, 2020: 7- UN Doc, 2018: Para 234). برای درک بهتر مطلب، دو مثال گفته می‌شود. اول اینکه موافقت‌نامه، مفهوم اشتراک منافع را توسعه می‌دهد که شامل اقداماتی با هدف ارتقا و تسهیل آموزش و فناوری فضایی و همچنین سرمایه‌گذاری مشترک و تبادل تخصص بر مبنای معاهدات و توافقات دوجانبه است. مهم‌تر از همه، خواستار ایجاد یک صندوق بین‌المللی داوطلبانه است و در عین حال هرگونه اشتراک پولی اجباری در مزایا را مستثنی می‌کند. با انجام این کار، از تفسیر مضیق اشتراک عادلانه به عنوان اشتراک مساوی که تفسیر اصلی کشورهای در حال توسعه از اجرام آسمانی به عنوان میراث مشترک بشریت است، فاصله می‌گیرد (Vancouver Recommendations on Space Mining, 2020: Para 20).

از آنجایی که شروط قید شده در این موافقتنامه مطابق شروط ذکر شده در ماده ۱ معاهده فضا و پاراگراف اول ماده ۴ و پاراگراف ۷ ماده ۱۱ توافقنامه ماه است، دولت‌های متعاهد از جمله دولت‌هایی که با توافقنامه ماه موافقت کرده‌اند، مقید به انجام این شروط شده‌اند. دوم اینکه بخش‌های چهار و نه توافقنامه، وظایف اساسی که یک جامعه بین‌المللی برای اداره فعالیت‌های منابع فضایی باید انجام دهد، تشریح می‌کند. آن‌ها شامل خلق و مدیریت ثبت حقوقی، فراهم کردن پایگاه جداگانه ای از داده‌ها که اطلاعات مرتبط با فعالیت‌های گوناگون فضایی از جمله اطلاع رسانی قبلی و خاتمه چنین فعالیت‌هایی و همچنین تاسیس نهادی بین‌المللی که متعهد به دسته‌بندی میراث شناخته شده بین‌المللی هستند، است. این امر مستقیماً به تحقق اصل دسترسی آزاد و راحت به فضا که در ماده اول معاهده فضا آمده است، کمک می‌کند. همچنین با مفاد پاراگراف اول ماده پنجم توافقنامه ماه مطابقت دارد که دولت‌ها را مستلزم به آگاه کردن دبیرکل ملل متحد و جامعه بین‌المللی از فعالیت‌های انجام شده روی ماه می‌کند، بنابراین دولت‌های متعهد به توافقنامه که با موافقتنامه ماه نیز موافقت کرده‌اند، ملزم به انجام تعهدات بین‌المللی می‌شوند.

نتیجه‌گیری

توافقنامه آرتمیس یک چارچوب بین‌المللی برای همکاری در اکتشافات پایدار فضایی بشریت است که تعهدات کلیدی معاهده فضا را تقویت و اجرا می‌کند. هرچند این توافقنامه الزام آور نیست، اما رویکردی اصولی برای انجام فعالیت‌های منابع فضایی ارائه می‌دهد. یکی از ویژگی‌های توافقنامه آرتمیس این است که اجرای تعهدات معاهده فضا را تشویق و تسهیل می‌کند، حتی در غیاب یک سند بین‌المللی که بهره‌برداری از منابع فضایی را تنظیم می‌کند. به ویژه با جایگزین کردن مفهوم مقررات پیش‌بینی با اصل حاکمیت انطباقی به عنوان پایه همکاری‌های بین‌المللی در این زمینه، توافقنامه آرتمیس به عنوان نقطه شروع بحث‌های بیشتر درباره چارچوب فعالیت‌های فضایی بین‌المللی به شمار می‌رود. با توجه به مرحله فعلی توسعه فناوری فضایی، امکان بهره‌برداری تجاری از منابع طبیعی ماه و سایر اجرام آسمانی، قریب الوقوع به نظر می‌رسد. در نتیجه از میان برداشتن تنگنایی که توافقنامه ماه در سال ۱۹۷۹ ایجاد کرد، ضروری و توصیه شده است و به همین علت توافقنامه آرتمیس گامی جدی در آن جهت برداشته است. در نهایت، توافقنامه آرتمیس بسیار مبتکرانه است و با فعالیت در چارچوب معاهدات چند جانبه فضا، امکان توسعه حقوق بین‌الملل فضا را بدون تغییری اساسی در آن پیش می‌برد.

منابع فارسی

۱. امین‌زاده، الهام. (۱۳۹۷). حقوق بین‌الملل فضا: کنوانسیون مسئولیت و موافقتنامه ماه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲. حسینی، سیدمحمد. (۱۳۹۳). رساله ای در حقوق فضا، تهران، مجد.
۳. رستگاریا، گلاره و زرگر، افشین و سلطانی، فخرالدین. (۱۴۰۰). استراتژی کلان فضایی در پرتو نظریه روابط بین‌الملل، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۲(۷۰)، ۱۶۳-۱۸۱. Doi:

10.22034/ISJ.2021.255720.1298

۴. رضی‌پور، فریبا. (۱۳۹۳). حقوق بین‌الملل و بهره‌برداری نظامی از فضای ماورای جو، تهران، خرسندی.
۵. رئیسی، لیلا. (۱۴۰۲). صیانت از حقوق شهروندی در فضای سایبر در پرتو نسل سوم حقوق بشر با تاکید بر حقوق ایران، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۳(۷۹)، ۴۵-۶۲. doi: 10.22034/ISJ.2023.387233.1980
۶. لوائی، محمد. (۱۴۰۰). قواعد حقوقی حاکم بر استخراج منابع فضا در پرتو حقوق بین‌الملل و نظام‌های حقوقی آمریکا، لوکزامبورگ و ایران، پنجمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های دینی، علوم اسلامی، فقه و حقوق در ایران و جهان اسلام، ۱-۴۰.
۷. مومنی‌راد، احمد و ذبیحی شهری، سیده ساناز. (۱۴۰۱). ایران و حقوق بین‌الملل فضا، تهران، مجد.
۸. نواده‌توپچی، حسین. (۱۳۹۷). حقوق بین‌الملل فضا، تهران، خرسندی.

English References

1. Artemis Accords, 2020. Preamble, Para 5 and 10
2. Artemis Accords, 2020. Section 9, Para 1
3. Artemis Accords, 2020. Section 9 para 2.
4. Artemis Accords, 2020. Section 10 Para 2
5. Artemis Accords, 2020. Section 11 Para 6
6. Artemis Accords, 2020. Section 11 Para 7
7. Artemis Accords, 2020. Section 13
8. Aust, Anthony. (2013). Modern Treaty Law and Practice, Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9781139152341>
9. Danilenko, Gennady M. (2016). International Lawmaking for Outer Space, *Space Policy Journal*, Vol. 37, 179-183. <https://doi.org/10.1016/j.spacepol.2016.12.002>
10. De Man, Philip. (2017). State practice, domestic legislation and the interpretation of fundamental principles of international space law, *Space Policy Journal*, Vol. 42, 92-102. <https://doi.org/10.1016/j.spacepol.2017.06.001>
11. Hanlon, Michelle L.D. and Cunningham, Baily. (2019). The Legal Imperative to Mitigate the Plume Effect: An Aggravation and Frustration That Imperils Our History and Our Future, *Journal of Space Law*, Vol 37, 309-316-317-319. <https://ssrn.com/abstract=4056586>
12. Hobe. S, De Man, Philip. (2017). National Appropriation of Outer Space and State Jurisdiction to Regulate the Exploitation, Regulation and Utilization of Space Resources, <https://www.unoosa.org/documents/pdf/copuos/lsc/2017/symp-08.pdf>.
13. ICJ, *Case concerning the temple of Preah Vihear (Cambodia v Thailand)*, Merits, Judgment of 15 June 1962. ICJ Rep 1962, 23.

14. Law of the Exploration and Use of Space Resources, Official Journal, Mémorial A No. 674 (20 July 2017).
15. Lebedev, L. and Romanov, A. (1979). *Rendezvous in Space: Soyuz-Apollo*, Progress Publisher, Central Books.
16. Principles for Cooperation in the Civil Exploration and Use of the Moon, Mars, Comets, and Asteroids for Peaceful Purposes (Artemis Accords), 13 October 2020.
17. Treaty on Principles Governing the Activities of States in the Exploration and Use of *Outer Space*, including the *Moon* and Other Celestial Bodies (Outer Space Treaty), 27 January 1967.
18. UN Doc A/73/10 (2018). p. 23, Conclusion 3.
19. UN Doc A/73/10 (2018). p. 27, Conclusion 4 para 2.
20. UN Doc A/73/10 (2018). p. 27, Conclusion 4 para 3.
21. UN Doc A/73/10 (2018). p. 43, Conclusion 6 para 1.
22. UN Doc A/73/10 (2018). p. 43, Conclusion 7 para 3.
23. UN Doc A/73/10 (2018). p. 70, Conclusion 9 para 1.
24. UN Doc A/73/10 (2018). p. 70, Conclusion 9 para 2.
25. UN Doc A/73/10 (2018). p. 75, Conclusion 10 para 1.
26. UN Doc A/74/20 (2019). Annex II.
27. US Commercial Space Launch Competitiveness Act, Public Law 114-90 (25 November 2015).
28. Vancouver Recommendations on Space Mining, 2020, Section VII, para 20.
29. Xu, Fengna, Su, Jinyuan. (2020). New Elements in The Hague Space Resources Governance Working Group's Building Blocks, *Space Policy Journal*, Vol. 53, 1-7. <https://doi.org/10.1016/j.spacepol.2020.101386>
30. Yearbook of the International Law Commission, 2008, vol II (Part Two), Annex I, 154, para. 14.

Translated References to English

1. Aminzadeh, Elham. (2019). *International Space Law: The Liability Convention and The Moon Agreement*, Tehran, Tehran University Publication. **(In Persian)**
2. Artemis Accords, 2020. Preamble, Para 5 and 10
3. Artemis Accords, 2020. Section 9, Para 1
4. Artemis Accords, 2020. Section 9 para 2.
5. Artemis Accords, 2020. Section 10 Para 2
6. Artemis Accords, 2020. Section 11 Para 6
7. Artemis Accords, 2020. Section 11 Para 7
8. Artemis Accords, 2020. Section 13
9. Aust, Anthony. (2013). *Modern Treaty Law and Practice*, Cambridge University Press.

<https://doi.org/10.1017/CBO9781139152341>

10. Danilenko, Gennady M. (2016). International Lawmaking for Outer Space, *Space Policy Journal*, Vol. 37, 179-183. <https://doi.org/10.1016/j.spacepol.2016.12.002>
11. De Man, Philip. (2017). State practice, domestic legislation and the interpretation of fundamental principles of international space law, *Space Policy Journal*, Vol. 42, 92-102. <https://doi.org/10.1016/j.spacepol.2017.06.001>
12. Hanlon, Michelle L.D. and Cunningham, Baily. (2019). The Legal Imperative to Mitigate the Plume Effect: An Aggravation and Frustration That Imperils Our History and Our Future, *Journal of Space Law*, Vol 37, PP. 309-316-317-319. <https://ssrn.com/abstract=4056586>
13. Hobe. S, De Man, Philip. (2017). National Appropriation of Outer Space and State Jurisdiction to Regulate the Exploitation, Regulation and Utilization of Space Resources, <https://www.unoosa.org/documents/pdf/copuos/lsc/2017/symp-08.pdf>.
14. Hoseini, Seyed Mohammad. (2015). *Thesis in Space Law*, Tehran, Majd publication. **(In Persian)**
15. ICJ, *Case concerning the temple of Preah Vihear (Cambodia v Thailand)*, Merits, Judgment of 15 June 1962. ICJ Rep 1962, 23.
16. Lavayee, Mohammad. (2021). "Legal rules governing the extraction of space resources in the light of international law and the legal systems of America, Luxembourg and Iran", The fifth international conference on religious studies, Islamic sciences, jurisprudence and law in Iran and the Islamic world, 1-40. **(In Persian)**
17. Law of the Exploration and Use of Space Resources, Official Journal, Mémorial A No. 674 (20 July 2017).
18. Lebedev, L. and Romanov, A. (1979). *Rendezvous in Space: Soyuz-Apollo*, Progress Publisher, Central Books.
19. Momenirad, Ahmad and Zabihi shahri, Seyedeh Sanaz. (2022). *Iran and International space Law*, Tehran, Majd publication. **(In Persian)**
20. Navadeh Toopchi, Hussain. (2019). *International Space law*, Tehran, Khorsandi publication. **(In Persian)**
21. Principles for Cooperation in the Civil Exploration and Use of The Moon, Mars, Comets, and Asteroids for Peaceful Purposes (Artemis Accords), 13 October 2020.
22. Rastegarnia, Gelare & Zargar, Afshin & Soltany, Fakhreddin. (2021). *Macro-space Strategy in the Light of International Relations Theory*, International Studies Journal, 2(70), 163-181. Doi: 10.22034/ISJ.2021.255720.1298 **(In Persian)**
23. Raisi, Leila. (2024). *Safeguarding Citizenship Rights in the Cyberspace in the Light of the Third Generation of Human Rights (with an emphasis on the rights of Iran)*, International Studies Journal, 3(79), 45-62. doi: 10.22034/ISJ.2023.387233.1980 **(In Persian)**
24. Razipour, Fariba. (2015). *International law and military exploitation of outer space*, Tehran,

Khorsandi publication. **(In Persian)**

25. *Treaty on Principles Governing the Activities of States in the Exploration and Use of Outer Space*, including the *Moon* and Other Celestial Bodies (*Outer Space Treaty*), 27 January 1967.
26. UN Doc A/73/10 (2018). p. 23, Conclusion 3.
27. UN Doc A/73/10 (2018). p. 27, Conclusion 4 para 2.
28. UN Doc A/73/10 (2018). p. 27, Conclusion 4 para 3.
29. UN Doc A/73/10 (2018). p. 43, Conclusion 6 para 1.
30. UN Doc A/73/10 (2018). p. 43, Conclusion 7 para 3.
31. UN Doc A/73/10 (2018). p. 70, Conclusion 9 para 1.
32. UN Doc A/73/10 (2018). p. 70, Conclusion 9 para 2.
33. UN Doc A/73/10 (2018). p. 75, Conclusion 10 para 1.
34. UN Doc A/74/20 (2019). Annex II.
35. US Commercial Space Launch Competitiveness Act, Public Law 114-90 (25 November 2015).
36. Vancouver Recommendations on Space Mining, 2020, Section VII, para 20.
37. Xu, Fengna, Su, Jinyuan. (2020). New Elements in the Hague Space Resources Governance Working Group's Building Blocks, *Space Policy Journal*, Vol. 53, 1-7.
<https://doi.org/10.1016/j.spacepol.2020.101386>
38. Yearbook of the International Law Commission, 2008, vol II (Part Two), Annex I, 154, para. 14.



پرو، شکاره علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی